

بررسی حجاب زنان از منظر حضرت زهرا(س) و آیات و روایات

نبی توان^۱، غزاله پورجعفری^۲

چکیده

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

در آیات و روایات معصومین به تفصیل مراتب حجاب بیان گردیده تا جایی حضرت زهرا(س) فرمودند: نزدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمان قرار ندهد.

واژگان کلیدی:

حجاب، آیات، روایات، زن، پوشش.

^۱ - دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام (ره) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین.

آدرس: ایلام، ملکشاهی، خ. رستمی، ۰۹۱۸۷۴۱۹۴۸۳-۰۸۴۳۳۵۸۳۶۸۹- ایمیل: ۱۳۶۶nabe@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام (ره) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

آدرس: ایلام، ملکشاهی، خ. رستمی، ۰۹۹۱۰۵۴۷۱۰۱-۰۸۴۳۳۵۸۳۶۸۹- ایمیل: ۷۶pog@gmail.com

معنای لغوی «حجاب» که در عصر ما این کلمه برای پوشش زن معروف شده است چیست؟ کلمه «حجاب» هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر، استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی «حجاب» نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در قرآن کریم در داستان سلیمان غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: "حتی توارت بالحجاب" یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. پرده حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» می‌نامند.

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب» را.

بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم، زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

حجاب در اسلام از یک مساله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جوییهای جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

پیشینه

حجاب و عفاف در قرآن

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد.

یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است:

(یا ایهاالنبی قل لازلواجک و بناتک و نساءالمومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفورا رحیما)

(ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مومنین بگو خود را بپوشانند تا شناخته‌نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند بخشنده مهربان است.)

جلاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد.

در سوره نور آیه ۳۱ نیز مفصلاً در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای است که به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. امید است این پژوهش در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد.

واژه‌شناسی

در پرده کردن، حجب، بازداشتن از در آمدن (از منتهی الارب). «دهار» و «زوزنی» به معنی روگیری، عفاف، شرم کردن، حیا: مرا به عرض تمنا حجاب نگذارد و گر خموش شوم اضطراب نگذارد، لغت حجاب به معنی جدایی، پوششی است که زن را از دنیای مرد، جدا می‌کند. در مفهوم دیگر، حجاب، حدفاصل بین برگزیده و لعن شده و نیز به معنی جوهر مادی در معراج عرفانی به کار می‌رود: تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز «حجاب» به مفهومی دیگر: حد نهایی جدایی مذهبی - اجتماعی که شمول روحی این جهان می‌باشد، به کار رفته است. گاه به معنای ایستای خود، جنبه دیالکتیک دارد، یعنی مبادله یا برخورد که تغییرات یک وضع را شامل می‌شود. اما مفهوم اخص آن، پوششی است که در اطراف یک زن یا یک شیء قرار می‌گیرد تا او را کاملاً از دیدگاه عموم محفوظ دارد.

عفت، یعنی نگاه داشتن نفس از چیزهایی که حرام است یا انجام آن شایسته نیست. شهید مطهری در تعریف عفاف می فرماید: «عفت، حالتی نفسانی است به معنی رام بودن قوه ی شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان؛ تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن» (حضرت علی درباره حقیقت عفت می فرماید: العفاف زهده الشهوه عفه. عفت مقاومت در برابر شهوتها است. همچنین در روایت دیگری می فرماید: العفاف زهده عفت، بی رغبتی نسبت به خواسته های نفسانی است. و اما عقیف به کسی گفته می شود که در برابر خواسته های نفسانی، از جمله، کششهای جنسی، مقاومت نموده، خود را حفظ نماید.

بیان مسئله

نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است، در عصر برهنگی، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی است که سلامت، امنیت، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می سازد؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است، مبانی و ریشه و راه های این حقیقت را می توان از بطن قرآن و روایت های اصیل اسلامی به دست آورد.

«حجاب و عفاف» در قاموس بشری، واژه های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا کنند. اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خود را، در میان معنویت، هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند.

از این روی مسئله اصلی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی است و این موضوع مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مفهوم قرآنی حجاب

در قرآن کریم، هفت بار واژه «حجاب» بکار رفته است و با در نظر گرفتن آیات قرآنی می توان فهمید حجاب در قرآن به طور اخص به معنای جدایی و پرده به کار رفته است. اما معنایی که امروزه از آن استنباط می شود، معنای تحول یافته ای از واژه قرآنی آن می باشد. به عبارت دیگر کلمه حجاب تغییر کرده و به جای کلمه یستر و ستر، به معنای پوشش و پوشاندن به کار رفته است. هدف اسلام از

پوشش زنان در واقع حفاظت آنها از نگاه شهوت‌زای مردان و بسیاری مسائل دیگر روانی و اخلاقی می‌باشد که آیات قرآن و احادیث و فتوای مراجع و مجتهدان بزرگ، گواه این منظور است.

کیفیت حجاب :

پوشش واقعی پوششی است که بدن انسان را از نامحرمان بپوشاند و نازک و بدن نما نباشد. (علی ع) فرمود : « عَلَيكُمْ بِالصَّفِيحِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ تَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ » از لباس نازک بپرهیزید زیرا کسی لباسش نازک است ایمانش هم ضعیف و کم رنگ است. حجاب باید همراه با حجب و حیا باشد. بسیاری از خانمها پوشش ظاهری شان کامل است اما نحوه پوشیدن و رفتار و راه رفتن آنها به گونه ای است که جلف و سبک می‌نماید و جلب توجه می‌کند و در شأن یک خانم با حجاب نیست. باید حجاب ظاهر و باطن همراه باشد. همواره باید توجه داشت انتقال ارزشها از اوان کودکی آغاز می‌شود. برای اینکه انسان بتواند از نامحرمان و گناهان محفوظ ماند باید خود را در لباس و حفاظ تقوا قرار دهد و برای اینکه دامن زنان از بی‌عفتی پاک باشد لازم است خود را در حفاظ و حجاب و عفاف قرار دهند.

فرق عفاف و حجاب :

مساله اصلی و بنیادین عفت است. عفت فراتر و برتر از حجاب است. حجاب، همان پوشش ویژه وعفت، یک خصلت و بینش و منش است. حجاب، پوششی بیرونی است؛ ولی عفت، هم پوشش بیرونی و هم پوشش درونی است. حجاب می‌تواند ریایی، تحصیلی، ظاهری و یاغیره اختیاری باشد؛ ولی عفت، یک خصلت و ارزش اختیاری است. عفت نموده‌های گوناگونی دارد؛ از جمله: عفت در نگاه، عفت در سخن، عفت در شهوت و ... ممکن است کسی حجاب مناسب داشته باشد ولی عفت در نگاه، سخن گفتن و یا امور جنسی نداشته باشد که این خودنمونه حجاب بدون عفت است، بنابراین برای سالم سازی جامعه به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد.

قرآن و عفاف :

قرآن، از این ارزش انسانی و اسلامی با واژه هایی چون عفاف، احسان و حضور، با عظمت یاد نموده، یکی از ویژگیهای مؤمنان راستین را پاکدامنی و عفاف می‌داند؛ والذینهم لفروجهم حافظون (آنان مومنین) کسانی هستند که خویشان را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند. در اهمیت عفاف همین بس که خداوند در قرآن، سوره ای به نام «سوره نور» به بیان لزوم عفاف اختصاص داده و شیوه های رسیدن به آن و مبارزه با آلودگی های جنسی را بیان فرموده است. قرآن در بیان مهیج ترین ماجراهای تاریخی، چون داستان حضرت یوسف (ع) جانب عفاف را رعایت نموده است. به بیان دیگر باید گفت : قرآن کتاب عفاف است و برنامه ای برای کسانی که بخواهند این راه سعادت بخش را در پیش گیرند

حجاب زن یک امر فطری است؛ گذشته از دلایل عقلی و نقلی که در دست است، ممکن است گفته شود حجاب برای زن از آغاز خلقت یک امر طبیعی و فطری به شمار می رفته است. ابن عباس می گوید آدم علیه السلام پس از یک توقف کوتاه در بهشت که نصف روز از روزهای آخرت بود به کوه نود در کشور هنرو حوا به جده پیاده شدند، برهنه و عریان بودند خداوند امر کرد یکی از هشت جفت قوچی که از بهشت به ایشان عطا کرده بود ذبح کنند سپس حوا پشم آن را رشت، با دست یاری آدم (ع) از تابیده های آن یک جامه بلند برای آدم و یک پیراهن و روسری جهت حوا بافته شد. بدین وسیله بدن انسانهای نخستین پوشیده گردید و از برهنگی و شرمندگی آن نجات یافت. این داستان می رساند: پیش از اسلام حجاب و نقاب بوده و بشر در بدو خلقت قبل از آنکه شرایع آسمانی گوش زد وی گردد می بینیم انسان نخستین مأمور به پوشش خود میگردد.

مقایسه تطبیقی یافته ها

ابعاد حجاب در قرآن

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه بانامحرم به آن توصیه شده اند.

ابعاد بی قید و بندی حجاب در غرب

۲۴۰ هزار زن آمریکایی به ویروس ایدز آلوده هستند

سازمان ملل متحد هشدار داد: وزنه جمعیتی مبتلایان به ایدز در آمریکا، با سرعت بیشتری در کفه زنان سنگینی می کند و این امر از دیگر مناطق جهان شدیدتر است.

صندوق سازمان ملل متحد، در امور زنان، اعلام کرد: با وجودی که آموزش های خاص برای جلوگیری از ابتلای زنان به ایدز در آمریکا زیاد است، ولی میزان ابتلای زنان این کشور به ایدز از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد افزایش یافته است.

در حال حاضر، شمار زنان آلوده به ویروس «اچ. آی. وی» علی رغم گسترش داروهای ضد ایدز در این کشور، از ۱۸۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۱، به ۲۴۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۳، افزایش یافته است.

۲۵ درصد زنان باردار در غرب با خشونت روبه رو هستند

۲۵ درصد زنان باردار در غرب با خشونت روبه رو می شوند که این زنان دارای سابقه بدرفتاری های جسمی، جنسی و مشکلات خانوادگی جدی هستند. به گفته گیل هندریکسون، اغلب این بدرفتاری ها، متوجه نوجوانانی است که بدون ازدواج، باردار شده اند. وی در ادامه افزود: زنانی که مورد سوء رفتار قرار دارند، هرگز در پی مراقبت های پیش از زایمان بر نمی آیند و این وضعیت برای جنین آن ها مشکل به وجود می آورد. در حالی که چنین مراقبت هایی بسیار مهم است، ولی آنان به دلیل ترس از بدرفتاری، اعتماد به نفس پایین و همچنین فقدان حمایت، اقدامات و مراقبت های لازم را در دوران بارداری از خود به عمل نمی آورند. بنابراین گزارش، زنانی که دچار بیماری های مزمنی چون فشار خون، دیابت و آسم هستند، اگر با بدرفتاری و خشونت مواجه شوند، وضعیت جسمی شان وخیم تر می شود؛ ضمن این که سوء رفتار، استرس و افسردگی را نیز در آنان افزایش می دهد.

حجاب نزد فاطمه زهرا (س)

چند روایت درباره اهمیت حجاب در نظر فاطمه زهرا(س):

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل فرمود که:

روزی شخص نابینایی اجازه ورود خواست. فاطمه (س) برخاست و چادر به سر کرد.

رسول خدا فرمود: «چرا از او رو می گیری، او که تو را نمی بیند؟»

فاطمه عرض کرد: «او مرا نمی بیند، اما من که او را می بینم. و او اگر چه مرا نمی بیند ولی بوی مرا که حس می کند.»

رسول خدا فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره تن منی.»

روزی رسول خدا از اصحاب خود پرسید: «نزدیکترین حالات زن به پروردگارش کدام است؟» اصحاب نتوانستند جواب بدهند. این سؤال به گوش فاطمه (س) رسید. فاطمه فرمود: «نزدیکترین

حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند (و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمان قرار ندهد).»

وقتی رسول خدا این سخن را شنید، فرمود: «فاطمه پاره تن من است.»

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: روزی رسول خدا از ما پرسید: «بهترین کار برای زنان چیست؟»

فاطمه (س) پاسخ داد: «بهترین کار برای زنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند.»

رسول خدا فرمود: «فاطمه پاره تن من است.»

رسول خدا بعد از ازدواج فاطمه علیها سلام کارها را بین او و علی علیه السلام تقسیم کرد و فرمود کارهای منزل با فاطمه و کارهای خارج از منزل با علی.

فاطمه (س) می فرماید: «هیچ کس نمی داند من چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از ظاهر شدن در پیش چشم مردان معاف کرد.»

روزی فاطمه زهرا سلام الله علیها به اسماء فرمود: «چه بد است این تخته‌هایی که بدن مرده را برای تشییع جنازه روی آن می گذارند! زیرا وقتی زنی را روی آن قرار می دهند و پارچه ای بر بدنش می کشند، حجم بدن او معلوم است.»

اسماء گفت: «من که در حبشه بودم، می دیدم مردم آنجا تابوتی از چوب درست می کردند و مرده را داخل آن می گذاشتند.»

سپس اسماء با چوب خرما تابوتی لبه دار درست کرد و به فاطمه علیها سلام نشان داد. حضرت فاطمه بسیار خوشحال شد و فرمود: «این خیلی خوب است. وقتی مرده را داخل آن قرار دهند و پارچه ای روی آن بکشند، دیگر معلوم نمی شود مرده مرد است یا زن.» و فرمود: «پس از مرگم، مرا در همین تابوت بگذارید.»

عفاف از دیدگاه پیامبر (ص) و حضرت علی (ع):

پیامبر گرامی اسلام که از وی به عنوان مظهر عفاف یاد میکنیم، تلاش بسیاری برای مالکیت عفاف و پاکدامنی نموده تا جامه ای بسازد که در آن، عفاف و پاکی، ارزش و بی عفتی، ضد ارزش به شمار آید. پیامبر در جریان بیعت با زنان مکه از آنان پیمان گرفت که پاسدار پاکدامنی و عفاف باشند و فرمودند: «لا یقعن مع الرجال فی الخلا: زنان با مردان نامحرم نباید در خلوت بنشینند» به پیامبر خبر رسید که در مدینه دو نفر با نامهای «هبت» و «ماتع» که از افراد هرزه هستند نزد مردان

نشسته، از اوصاف زنان و لباسهای آنان حرف می زنند و با سخنان شهوت انگیز هوسهای آلوده را تحریک کرده، به حریم عفاف تجاوز میکنند. پیامبر آنها را احضار کرد و از مدینه به محلی به نام « العوایا » تبعید نمود. آنها فقط روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم ضروری به مدینه می آمدند و سپس به تبعیدگاهشان بازمی گشتند عفاف در روایات، جایگاه خاصی دارد که به چند حدیث از جملات نورانی حضرت علی (ع) اشاره می نمائیم: افضل العباده العفاف بهترین عبادت، پاکدامنی است. العفه راس کل خیر : عفت ریشه و اساس تمام خوبیهاست. ما المجاهد الشهيد فی سبیل الله باعفلم اجرا ممن عفف لکاد العفیف ان یکون ملکا من الملائکه مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت برگناه دارد اما خویشتن داری می کند، چنین شخصی نزدیک است فرشته ای از فرشتگان خدا باشد. عفاف با همه ارزش و اهمیتی که دارد متأسفانه روز به روز شاهد کم رنگ شدن آن هستیم. حضرت امیر(ع) ضمن بیان علائم آخرالزمان می فرماید: صار الفسوق نسبا و العفاف عجبا در آن زمان مردم به گناه افتخار می کنند و از پاکدامنی در شگفت فرو می روند. امروزه در جهان عفاف به عنوان یک ارزش شناخته نمی شود؛ حتی در کشورهای اسلامی، زنان عقیف و پاکدامن منزوی هستند و اصولاً بافت این گونه جوامع به گونه ای است که زنان پاکدامن نتوانند حضور اجتماعی فعال داشته باشند و گاهی رسماً اعلام می کنند که حضور دختران محجبه در مدارس و دانشگاهها ممنوع است. نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نهایت تلاش خود را بر عفت عمومی جامعه معطوف داشته است؛ ولی متأسفانه کم نیستند خودباختگان و عزبزدگان و افراد خوشگذرانی که می خواهند بنیان عفت را در این کشور اسلامی واژگون کنند؛ بنابراین همه غیرتمندان جامعه وظیفه دارند در برابر فساد و بی عفتی ایستادگی کنند تا زنان و دختران، بهتر بتوانند مروارید عفاف خویش را پاسداری نمایند. عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که ملائکه بالاترند یا انسان به حضرت فرمود: از جدم علی (ع) به خاطر دارم که فرمود: خداوند به ملائکه، عقل بدون شهوت و به چهارپایان، شهوت بدون عقل داد؛ اما به انسان هم عقل داد هم شهوت. همین انسان اگر عقل وی بر شهوتش غالب شود از ملائکه برتر و اگر شهوت وی بر عقلش فایق آید از چهارپایان پست تر می گردد .

عفاف از دیدگاه امام خمینی(ره):

امام خمینی طی سفارش های متعدد درباره عفاف می فرماید: « بانوان محترم اسلام ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عقیف و متعهد، به کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ گاه در آن راهنمایی که قدرتهای بزرگ برای تباه کردن کشور، پیش پای آنها گذاشته بودند، نخواهند رفت » زنها باید در میدان زهد و تقوا و عفاف و تحصیل و مجاهده و دفاع از اسلام، از حضرت زهرا تبعیت کنند. « وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و روسای جمهور مابعد و شورای نگهبان و شورای قضائی و دولت ، در

هرزمان، آن است که نگذارند این دستگاہهای خبری و مطبوعات و مجله ها از اسلام و مصالح کشور، منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پدران می شود از نظر اسلام و عقل، محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان، جلوگیری از آن واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود.»

تعمیم عفاف :

گاهی به نظر می رسد بحثی است ویژه بانوان؛ ولی بابررسی آیات و روایات در می یابیم که لزوم عفاف شامل مردان نیز می شود؛ اگر قرآن «والحافظین فروجهم» دارد «والحافظات» هم دارد خدا در قرآن خطاب به مردان مومن می فرماید: قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم به مومنان بگو چشمهای خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند دامان خود را حفظ کنند. به زنان با ایمان هم می فرماید: قل للمومنات یغضن من ابصارهم و یحفظن فرجهن. به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند. و نیز در لزوم عفاف، تفاوتی بین افراد مجرد و متأهل وجود ندارد. گرچه قرآن، افراد مجرد را که نیاز بیشتری به تحصیل و تقویت ملکه عفاف دارند، مورد خطاب قرار داده می فرماید: ولیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله. آنان که مقدمات ازدواج برایشان فراهم نیست باید عفت پیشه کنند تا خدا از فضلش آنها را بی نیاز سازد. از آنجا که افرادی با وجود داشتن همسر، به دلیل عدم مقاومت در برابر کششهای جنسی به انحراف کشیده شده اند می توان گفت در لزوم عفاف تفاوتی بین زن و مرد، مجرد و متأهل وجود ندارد.

فواید عفاف :

امام علی (ع) در یک جمله زیبا این مطلب را بیان فرموده اند: العفه راس کل خیر عفت، منشا تمام نیکیهاست. در اینجا به چند نمونه از فواید عفاف اشاره می کنیم :

۱. حفظ نفس :

عفاف موجب کنترل و حفظ نفس از بدیهاستعلی (ع) فرمود : پاکدامنی ، نفس را حفظ می کند و از پستیها دور می دارد و در روایتی دیگر می فرماید : ثمره العفه الصیانه میوه عفت ، محفوظ ماندن است.

۲. عزت و سربلندی :

انسان در سایه عفاف عزت پیدا می کند و کسانی که هرچه می خواهند می خورند و آنچه می خواهند میگویند و دائماً به دنبال هوسرانی هستند، نزد دیگران اعتبار و ارزشی ندارند.

۳. سلامت جامعه :

عفاف سلامت جامعه را به دنبال دارد؛ زیرا جامعه را افراد آن تشکیل می دهند و اگر افراد، اصلاح شوند جامعه نیز اصلاح خواهد شد. عفاف موجب مصونیت پسران و دختران جوان از آشفتگیهای ذهنی، بزهکاری، آوارگی و بلاخره بیماریهای روحی و روانی می شود و از انحطاط اخلاقی جامعه و از هم پاشیدگی خانواده ها جلوگیری می کند.

۴. فرونشاندن آتش شهوت :

حضرت علی (ع) می فرماید: العفه تضعف الشهوه : عفت ، شهوت را کاهش می دهد .

۵. پاکی اعمال :

حضرت علی (ع) می فرماید : بالعفاف تزکوا الاعمال : به وسیله عفاف اعمال ، پاک می شود . آنگاه که پای نفس و امیال نفسانی در میان نباشد اخلاص در عمل جای خود را باز خواهد کرد .

۶. قدر و منزلت الهی :

از دیگر برکات عفاف ، قدر و منزلت و تقرب یافتن در درگاه خداوند است . حضرت علی (ع) می فرماید : من عف ف وزره و عظم عند الله قدره : کسی که عفت داشته باشد ، گناهانش سبک و منزلتش در درگاه خداوند زیاد خواهد شد.

۷. قناعت :

حضرت علی (ع) می فرماید : ثمره العفه القناعة : محصول پاکدامنی قناعت است . انسان عفیف مسلماً شخص قانعی نیز هست ، زیرا کسی که مزین به زینت عفاف است روح بلندی دارد که خود را از بی عفتی در امور مختلف بی نیاز می بیند و از حد خویش تجاوز نمی کند

۸. استحکام بنیاد خانواده :

همانطور که عفاف، موجب تحکیم خانواده است می توان گفت یکی از علل تزلزل خانواده ها نیز بی عفتی است . اگر جوانان ، قبل از ازدواج، با جنس مخالف خود در تماس نباشند ازدواج برای آنها به یک آرزو تبدیل می شود

مراتب عفاف :

عفاف مراتبی دارد که به گوشه ای از آن اشاره می کنیم :

مرتبه اول : عفت در میل جنسی

به این معنی که انسان برای خاموش کردن شهوت خود به اعمال منافی عفت و حرام متوسل نشود و آن میل را در جهت صحیح و حلال خود هدایت کند .

مرتبه دوم : عفت در اعضای بدن

به این معنی که انسان علاوه بر کنترل شهوت، هریک از اعضای بدن خود را از گناه بازدارد؛ چشم را از دیدن حرام و گوش را از شنیدن غیبت و ناروا دور دارد؛ زبان را از کلامی ناحق و غیبت دیگران و دست و پا را از رفتار گناه آلوده بازدارد .

مرتبه سوم : عفت در افکار

به این معنی که انسان علاوه بر کنترل اعضای بدن نسبت به گناه، حتی فکر گناه نیز به ذهنش خطور نکند. آدمی به جایی برسد که ظاهرو باطنش یکسان و وجودش مجسمه عفاف باشد؛ نه مرتکب گناه شود و نه حتی به فکر انجام آن افتد . پیامبران، امامان، معصومین و همچنین مقربین درگاه الهی از این جمله اند .

آثار بی عفتی

۱. بی اعتمادی

در جامعه ای که بی عفتی رواج داشته باشد افراد نسبت به یکدیگر بی اعتماد خواهند شد؛ پسر جوانی که قصد ازدواج دارد مدت زیادی را صرف تحقیقات می کند و سرانجام به جایی نمی رسد و دختری که می خواهد ازدواج کند نمی تواند در مورد خواستگارانیش بطور قطع تصمیم گیری کند و همسران نیز به گونه ای به هم بدبین می شوند؛ چرا که هریک، احتمال خیانت و بی وفایی نسبت به دیگری می دهد .

۲. سقوط

بی عفتی پرتگاهی است مخوف و هر ملتی که در این پرتگاه سقوط کند ، عزت و عظمت و همت و مردانگی خود را که یگانه ضامن سلامت و سعادت جامعه است از دست خواهد داد .

۳. جدائی و طلاق

هنگامی که عفت و حیا در جوامع، جای خود را به بی عفتی و بی بندوباری بدهد، اعتماد از بین مردم و افراد خانواده و زن، شوهر، رخت برمی بندد و این شک و تردیدها خود یکی از عواملی است که به اختلافات دامن می زند و بالاخره کارشان به جدایی خواهد انجامید .

۴. سست شدن بنیاد خانواده

نیاز جنسی از عوامل بنیادین تشکیل خانواده و پایداری آن است؛ در سرزمینی که برآوردن این نیاز با شیوه های متنوع و آزادانه ممکن باشد، افراد جامعه دلیلی برای تن دادن به محدودیت ها و مشکلات زندگی و تشکیل خانواده در خود نمی بینند؛ از این رو سن ازدواج بالا می رود و کانون های گرم خانواده تشکیل نخواهد شد، که این خود آثار سوء دیگری را در پی خواهد داشت .

۵. رکود فکر و استعداد

یکی دیگر از آثار بی عفتی، رکود فکری و عدم رشد استعداد های عالی چون خداگرایی و کسب علم است. عدم کنترل میل جنسی سبب می شود که تمام حواس و توجهات انسان برهوسازی ها و بی بندوباری ها معطوف گردد و دیگر جایی برای انجام هیچ کار و شکوفایی هیچ اندیشه و استعدادی باقی نمی ماند . از این رو تمام استعداد های عالی انسان با ورود این دشمن قوی پنجه ، میدان تلاش را ترک گفته و به گوشه ای می خزند .

۶. خیانت ، عامل خیانت

جهان، جهان عمل و عکس العمل است و هر عمل خیر و شری انعکاس خاصی دارد. قرآن در این زمینه می فرماید : ان احسنتم لانفسکم و ان اساتم فلها. اگر نیکی کردی به خویش کرده ای و اگر بدی کردی به خویش بدی کرده ای . پیامبر اکرم فرمودند : نیکی کنید تا به فرزندان شما نیکی کنند و نسبت به زنان دیگران عفاف پیشه کنید تا زنهای شما نیز عفت داشته باشند امام باقر (ع) می فرماید : از چیزهایی که خداوند به حضرت موسی وحی کرد این بود که اگر کسی به ناموس دیگران خیانت کند ، دیگران هم به ناموس او خیانت خواهند کرد هر چند در نسلهای بعد از او باشد و نیز فرمود : ای موسی ! پاکدامن باش تا خانواده ات پاکدامن باشند

جلباب :

کلمه جلابیب ، جمع جلاب است و آن جامه ای است که یا به طور سرتاسری تمامی بدن را می پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را می پوشاند و منظور از جمله (پیش بکشید مقداری از جلاباب خود را)، این است که آن را طوری بپوشانید که زیرگلو و سینه هایشان پیدا نباشد . ذالک ادنی ان يعرفن فلا یوذین . یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل

عفت و حجاب و صلاح و سوادند، نزدیکتر است در نتیجه به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی شوند، یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی گردند. حجاب بر هرزنی واجب است الا زن مسن، که می تواند بی حجاب باشد، البته در صورتیکه کرشمه و تبرج نداشته باشد. جمله: «ان يستعففن خیر لهن» کنایه است از خود پوشی، یعنی همین زنان سالخورده نیز اگر خود را بیوشانند بهتر از برهنه بودن است و جمله «والله سمیع علیم» تعلیل حکمی است ه تشریح کرده، و معنایش این است که خداوند شنواست آنچه را که زنان به فطرت خود درخواستش را دارند، و داناست به احکامی که به آن محتاجند.

حجاب در حیات اسلامی :

در مورد نزول آیات حجاب، روایات مختلف است. اولین آیات تقریباً ده سال پس از هجرت پیامبر (ص) نازل گردید. این چنین بوده که زنان از خانه بیرون می شدند تا به مسجد آیند و دنبال رسول خدا (ص) نماز بخوانند، و چون شب می شد و زنان برای نماز مغرب و عشاء بیرون آمدند، جوانان سر راه آنان می نشستند و به ایشان متلک می گفتند و یا معترض ایشان می شدند. برخی دیگر گفته اند که قبل از نزول آیات مربوط به حجاب زنی برای خرید جواهر به بازار «بنی قنیقاع» رفت، چارپایه ای در کنار دکان گذاشتند و به این خانم گفتند اینجان بنشین؛ دائم می رفتند و انگشتر و گوشواره و ... می آوردند و به او می دادند و او هم نگاه می کرد. چون زنی مسلمان بود، جوانهای یهودی که به مسلمانان کینه داشتند، آمدند و چادرش را از پشت به بالای سرش سنجاق کردند، و او تا بلند شد، چون چادرش سنجاق شده بود، منظره زشتی ایجاد شد. او که دید این کار را کرده اند، از برادران مسلمان کمک خواست. مسلمانی که از آنجا می گذشت با شمشیر فرد یهودی را زد، بعد یهودی ها جمع شدند و مسلمانان را کشتند و بحران به حدی شدید شد که مسلمانها اعلام جهاد کردند. بدین ترتیب جنگ با بنی قنیقاع شروع شد. روسای آنها آمدند و با هم صلح کردند. بلافاصله در اینجاست که مسئله پوشش مطرح می شود.

حجاب در ادیان غیراسلامی :

تحقیقاً حجاب قبل از اسلام وجود داشته و این ساخته و پرداخته اسلام نیست، اما، اسلام آن را به صلاح زن تکمیل نموده است. جداسازی زن از مرد به طور کامل، داستانی بلند و تاریخی در چین، یونان و ایران دارد. اسلام در تمام احکامش مقام زن را تکامل بخشیده است. بهترین وسیله برای نشان دادن مقامی که اسلام به زن داده است، تحقیق و بررسی در وضعیت زن قبل از اسلام و بعد از اسلام در مشرق زمین می باشد. در جاهلیت حجاب وجود نداشته و با ظهور اسلام پیدا شده است. در جاهلیت، قبل از ظهور دین مبین اسلام در جزیره العرب، زن مخلوقی زیردست، موجودی میان آدم و حیوان بوده است. تولد یک دختر، بدبختی بزرگی برای خانواده محسوب می گردید، و

عادت زنده به گور کردن او بسیار عادی بوده است. در دین یهود، اگر زن به نقض قانون دین می پرداخت، چنانکه بدون پوششی بر سر، به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رسید یا با مردان سخنی می گفت و دردو دل می کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم میکرد، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آنصورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد. حجابی که در قوم یهود معمول بوده، بسیار سخت تر از حجاب در اسلام بوده است. کتاب مقدس «بیل» چندان نرمشی نسبت به زن نشان نداده است، چنانکه گاهی زن را تلخ تر از مرگ دانسته است. به اعتقاد «سن پل» یکی از قدیسان کلیسا «سر زن نباید بدون روسری (سرپوش) باش؛ زیرا:» به خاطر فرشتگان است که زن باید الزاماً پوشیده باشد. آیا اگر زنی در موقع عبادت، او فرود می آید؟ آیا طبیعت به شما نیاموخته است که شرم آور است که مردان موهای خود را بلند کنند، در حالی که موی بلند برای زنان افتخار آمیز است چون خود موی بلند، فرحی از روسری می باشد» به طور کلی در اکثر تصاویر مذهبی و هم چنین مجسمه هایی که در موزه های اروپا و سایر نقاط جهان به چشم می خورد، چه در دین یهود و چه در دین مسیحیت، زنان دارای روسری و یا پوشش بلندی که بی شباهت به چادر نیست می باشند، و یا اگر سربند کوچکی بر سر داشته باشند لباس بلند و کاملاً پوشیده ای بر تن دارند. حتی تا این اواخر یک زن در اسپانیا، پرتغال و جنوب فرانسه، ایتالیا، کرس، یونان و لبنان حق ورود به کلیسا بدون پوششی بر سر نداشت.

حجاب در ایران قبل از اسلام:

قبل از اسلام به دلیل تجاوز پادشاهان به زنان و دختران جوان، زنان کمتر از منزل خارج می شدند، به طوریکه در موقع خارج شدن از منزل برای اینکه شناخته نشوند، در ارا به هایی می نشستند که با پرده ای جلوی بستره می شد و اگر پیاده بودند، در لباسهای بسیار گشادی که حتی صورتهایشان هم پوشیده بود، ظاهر می شدند. ضمناً از این نوع لباسها گاهی مردان نیز برای اینکه شناخته نشوند استفاده می کردند اختلاف پوشش در بین طبقات جامعه بسیار بود و در حقیقت، چادر در آن عصر عبارت بود از یک روسری بسیار بلند که سر را می پوشانده بدون پوشاندن صورت، بلندی آن قسمتی از بالا تنه را فرا می گرفت و غالباً بسیار نازک و نمایان بوده است. درباره آذر میدخت یکی از پادشاهان ساسانی که فقط یکسال حکومت کرده است نوشته اند: «در تالار وسیعی که در سمت گنبد بزرگ قصر (دیر) واقع بود گروهی از بزرگان ایرانی نشسته، در بالای تالار آذر میدخت مانند خورشیدی تابان در پس ابرهای بهاری، با لباس سیاه و چادری نازک و مشکی که نیمی از تاج او را گرفت، و مانند چارقدهای زمان ما، که از پشت تا نزدیک کمر می رسد، دیده می شد.» کنت گوینو در کتاب «سه سال در ایران» نیز معتقد است که حجاب شدید دوره ساسانی در دوره اسلام نیز در میان ایرانیان باقی ماند. او معتقد است آنچه در ایران ساسانی بوده است تنها پوشیدگی

زن نبوده ، بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است و مدعی است که خود سری موبدان و شاهزادگان آن دوره به قدری بوده است که اگر کسی زن خوشگلی در خانه داشت، نمی گذاشت کسی از وجودش آگاه گردد و حتی الامکان او را پنهان میکرد. آنان مجبور بودند که خود را بیوشانند تا از طمع شاهزادگان و مردان با قدرت ، که می توانستند آنان را بربایند در امان باشند .

حجاب زنان ایران قبل از اسلام :

لباس زن ایرانی معمولاً از یک پیراهن (که روی آنرا به انواع مختلف گلدوزی ، قلاب دوزی و کارهای تزئینی دیگر در رابطه با وضعیت اجتماعی زنی که آن را می پوشید) با رنگ زنده و آستینهای بلند تشکیل میشد . یقه آن از طرف جلو باز بود . شلواری از پارچه ای نازک با رنگی غیر از رنگ پیراهن که در قسمت مچ تنگ بود، به پا می کردند. برای پوشاندن سر از یک سر بند ، که در زیر چانه به وسیله دو بست محکم میگردید استفاده می نمود . روی این سر بند یک روسری بزرگ سه فتری از ابریشم که غالباً برو دری دوزی گردیده بود بنام مکنو می پوشید . این روسری از سر تا روی شانه و پشت گردن را به خوبی می پوشانید و گردی صورت و گاهی قسمتی از موی جلوی سر بیرون می ماند . در فصل سرما بر روی این روسری هم ، روسری مربع شکل می پوشید و گاهی بصورت عمامه بر دور سر خود می پیچید . در روی پیراهن خود یک مانتو از زری که آستینهای بلندی داشت و از جلو به وسیله دکمه بسته می گردید، بر تن می کرده ، مسلماً پارچه ها و تزئینات مختلف به طبقه و درجه اجتماعی زنان مربوط می گردید. زنان معمولی اجازه پوشیدن پوتین و کفش پاشنه بلند را نداشتند، و اینها مخصوص خانواده های سرشناس بود . لباس زنان طبقه مرفه، تا اندازه ای پیچیده بود و در زمستان از مانتوی پوست استفاده می کردند و سر شانه های خود را با پوست روباه نقره دوزی گردیده بود می پوشاندند . در تابستان روی شلوار ابریشم خود، زنان ایرانی یک لباس به نام « قبا » بر تن می کردند که جنس آن از ابریشم و خیلی تنگ و کوتاه بود . آنها در تمام فصول سر خود را با کلاهی که با نگین الماس یا طلا و مروارید و جواهرات تزئین یافته بود می پوشاندند . دور تا دور کلاه بوسیله پارچه ای بسیار نازک پوشیده می گردید . پوتین آنها از چرم طلایی بود . فرم ساده این لباسها را تا صد سال پیش، زنان زردستی در ایران بر تن داشتند.

حجاب زنان عرب قبل از اسلام

زنان عرب لباسی بسیار ساده داشتند . طبرسی می نویسد : چهار تکه برای زنان لازم بود. اولین تکه به نام « دراعه » که پیراهن بلندی بود که تمام بدن را می پوشانید ، دومین قسمت به نام « خمار » که سرو گردن و دور سینه را می پوشانید ، سومین قسمت به نام « جلباب » است که از سر تا پا را در بر می گیرد و پیراهن و خمار در زیر آن پنهان می شود و همین جلباب است که نقش چادر دارد

قسمت چهارم «ازار» نامیده می شود که تمام هیکل تا پاها را دربر می گیرد. اولین قسمت را مردان هم استفاده می کردند و بسیار بلند و گشاد بوده است و پایین آن همیشه کثیف بوده است. پیغمبر (ص) مردم را از پوشیدن لباس بسیار بلند منع نموده بود. در طول قرون این فرم لباس دستخوش تغییراتی گردیده است و تنها آخرین قسمت آن که به نام عبا مشهور است در بعضی از کشورهای عربی هنوز مورد استفاده قرار میگیرد. این تنها حجابی است که شکل سنتی خود را حفظ کرده است. محجبه بودن به مرور زمان یک علامت احترام آمیز و انحصاری پیدا کرده، پنهان بودن و با حجاب بودن علامت شخصیت گردید، می گویند: «هارون الرشید» برعکس سایر خلفا از پشت پرده ای با مردم صحبت می کرد. این روش از پشت پرده صحبت کردن به خصوص برای زنان، مورد تقلید تمام زنان شهر نشین است. وضعیت مالی و ثروت عده ای، به زنان اجازه داد تا در خانه ها بمانند و در خارج از خانه کار نکنند و در طول قرون، حجاب بنا بر وضعیت شخصیت مسلمانها تغییر می یافت. وقتی تمدن مسلمانان با رونق و درخشان بود، این عادت علامت عقب ماندگی و بدبختی برای زن مسلمان نبوده است و نمونه های بسیاری موجود است که می توانیم بگوییم که حجاب هیچ موقع مانع سازندگی و پیشرفت امت اسلامی و زنان نبوده است. در زمانیکه زنان قدرتمند بوده و سالهای - به قول تاریخ نویسان - «طلایی» امت مسلمان بود، این حجاب هرگز مانع کار کردن زنان در اجتماع نبوده است. با گسترش اسلام در قرون نهم، شاهد یک شبه انقلابی در حجاب هستیم بدلیل اینکه در حدود ده میلیون زن از طبقه مستضعفین، کارگر، کشاورز و کنیز که مسلمان شده بودند، اصلاً چادر سر کردن را نمی دانستند و آنرا مغایر با کارکردن می دانستند، در نتیجه زنانی که به چرانیدن حیوانات یا بستن اسبها به گاریها و یا به شستشو در و دیوار خانه ها در طول روز مشغولند، نمی توانند مانند زن شهری با حجاب باشند، لذا حجاب فقط توسط زنانی از طبقه مرفه و ثروتمند شهری مراعات می گردید و با وجودی که یک دستور مذهبی بود، بیشتر نشان یک طبقه خاص گردید. در قرون یازده و دوازده زنان بسیاری را در سمت های آزاد می بینیم مانند قضاوت، شاعری، نجوم، پزشکی و عده ای دیگر مربی مذهبی یا صوفی و بعضی حتی به ریاست حکومت هم رسیده اند. زنان در کل جامعه بسیار پرکار و پر مشغله بوده اند.

پیشنهاد

به عنوان پیشنهاد با بهره گیری از کلام حضرت علی ع که فرمودند: العفه راس کل خیر عفت، منشا تمام نیکی هاست.:

به دلیل وجود آفات بی حجابی و مشکلات فزاینده ای آن در جامعه می طلبد تا با تدبیری ویژه به این امر مهم به عنوان یک وظیفه عرفی، اخلاقی، شرعی و حقوقی مورد تاکید قرار گرفته، و با وضع قوانین

حقوقی پیشگیرانه در ابعاد مختلف و در موارد گوناگون با توجه به کیفیت نوع پوشش تدبیری بازدارنده انجام گرفته تا ضمن جلوگیری از آفات آن جامعه ای پویا و باصلابت داشته باشیم.

نتیجه گیری

فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می آید.

پوشش بدن به جز وجه کفین و مهار کردن جاذبه های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد، نمره ی صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد، نمره ی کمال و برتری الهی را کسب نموده است.

این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم تا انسان های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی در جامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند.

منابع و مأخذ:

- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ش.

- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، محجه البيضاء، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، بی تا.
- قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- همو، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
- قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق لکلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی چا، ۱۳۶۰ ش.
- ۸ - مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، اخلاق در قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- احمد پور ترکمانی، علی، نماز خوبان (حکایات و داستانهایی از دانشمندان و فرزاندگان)، ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور، تهران.
- انصاریان، حسین، توبه آغوش رحمت، قم، دار العرفان، ۱۳۸۲.
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل بیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم دار الشامیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.